

A Conceptual Model of Ta'āmul be Ma'rūf (Interaction in Accordance with Good Conduct) between Spouses Based on Islamic Sources

Mohammad Sadegh Shojaei

Professor, Department of Psychology, Humanities Research Institute, Al-Mustafa International Research Institute, Qom, Iran. Email: s_shojaei@yahoo.com

Mohammad Naser Saghay Biria

Professor, Department of Psychology, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran. Email: mns-birria@gmail.com

Ali Asgari

Faculty, Department of psychometrics, Hooshbehr Psychometric Research Institute, Tehran, Iran. Email: asgarya@ut.ac.ir

Soodeh Tavakkoli

PhD Student, Department of Psychology, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran. (Corresponding Author), Email: soodehtavakkoli@gmail.com

Received : 2022-10-10

Revised : 2022-12-18

Accepted : 2023-02-18

Published: 2023-04-04

Citation:

Shojaei, M.S., Saghay Biria, M.N., Asgari, A. & Tavakkoli, S. (2023). A Conceptual Model of Ta'āmul be Ma'rūf (Interaction in Accordance with Good Conduct) between Spouses Based on Islamic Sources. *Quran and Psychology*, 2(1), p. 165-188.

Abstract

According to Islamic teachings, mu'āsharat be ma'rūf (living together in accordance with good conduct) is considered a fundamental principle in spousal interaction. Accordingly, the present study was conducted with the aim of developing a conceptual model of ta'āmul be ma'rūf, with particular emphasis on verse 19 of Sūrat al-Nisā'. The qualitative content analysis of religious texts was carried out in four stages: systematic observation, immersion in the content, formulation of findings, and reconstruction and presentation, with each stage consisting of several steps. The basis of qualitative content analysis of religious texts is the active processing of the text, in which the researcher explores and analyzes textual data (concepts and propositions derived from religious texts) through the application of pre-processing principles until arriving at overarching structures of meaning. Ultimately, the collected findings were analyzed, categorized, and reorganized in a novel arrangement. To achieve this objective, both quantitative and qualitative methods were employed. In the qualitative phase, the narrative validity form (Shojaei, 2009) was utilized, whereby each component, along with the supporting evidence and headings, was presented in tables to academic experts. The validity of the findings (the degree of accuracy, correctness, and conformity with religious sources) and the utility of the findings (the degree of applicability and transferability to psychology) were then evaluated using a Likert scale. The results were classified into four main categories: (1) behavior and temperament management (ensuring physical security, providing comfort for the spouse, treating the spouse with good morals, speaking kindly to the spouse, cheerfulness, showing respect to the spouse, unity and companionship, and observing the spouse's rights); (2) thought management (overlooking and forgiving, correcting false beliefs, and moderating expectations); (3) understanding the other (benevolence); and (4) creating positive emotions (preserving marital intimacy, attending to the spouse's emotional needs, maintaining prior love and friendship, and expressing positive emotions). The validity of the findings was confirmed



through both qualitative and quantitative methods. In the qualitative approach, interpretations were reviewed by academic experts, while in the quantitative approach, the Content Validity Ratio (CVR) and the Content Validity Index (CVI) were calculated and found to be higher than 0.49 and 0.79, respectively. Overall, it can be concluded that training and optimizing ta'āmul be ma'rūf between spouses, as a golden rule in marital life, can help couples achieve the ultimate purpose of shared life (mutual growth and perfection, as well as attaining tranquility, peace, and friendship) and overcome marital crises. Ta'āmul be ma'rūf constitutes a form of interaction that is not possible without emotional and intellectual maturity in both partners.

Keywords: Cohabitation, Ta'Āmul Be Ma'Rūf, Spouses, Family, Couples

قرآن و روان شناسی

مدل مفهومی تعامل به معروف بین همسران براساس منابع اسلامی^۱

محمدصادق شجاعی

استاد، گروه روان شناسی، پژوهشکده علوم انسانی، پژوهشگاه بین المللی المصطفی، قم، ایران. s_shojaei@yahoo.com

محمدناصر سقایی بیو یا

استاد، گروه روان شناسی، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، قم، ایران. mns-birria@gmail.com

علی عسگری

هیئت علمی، گروه روانسنجی، مؤسسه پژوهشی روانسنجی هوشبهر، تهران، ایران. asgarya@ut.ac.ir

سوده توکلی

دانشجوی دکتری، گروه روان شناسی، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، قم، ایران. (نویسنده مسئول)، soodehtavakkoli@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۸	استناد: شجاعی، محمدصادق؛ سقایی بیو یا، محمدناصر؛ عسگری، علی؛ توکلی، سوده (۱۴۰۲). مدل مفهومی تعامل به معروف بین همسران براساس منابع اسلامی. قرآن و روانشناسی، ۲(۱)، ص ۱۶۵-۱۸۸.
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۹/۲۷	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۹	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۱/۱۵	

چکیده

براساس آموزه‌های اسلامی، معاشرت به معروف یک اصل اساسی در تعامل بین همسران محسوب می‌شود. در همین راستا، پژوهش حاضر با هدف دستیابی به مدل مفهومی تعامل به معروف با محوریت آیه ۱۹ سوره نساء انجام شده است. تحلیل کیفی محتوای متون دینی در چهار مرحله مشاهده نظام مند، غرقه شدن در محتوا، صورت‌بندی یافته‌ها و بازآفرینی و ارائه، انجام شده و هر مرحله نیز از چندین گام تشکیل شده است. پایه و اساس تحلیل کیفی محتوای متون دینی، پردازش فعال متن است که در آن، پژوهشگر داده‌های متنی (مفاهیم، گزاره‌های متون دینی) را با به کارگیری اصول پیش پردازش متن، آنقدر مورد کندوکاو و تحلیل قرار می‌دهد تا به ساخت‌های کلی معنی دست یابد. سرانجام یافته‌های گردآوری شده، تجزیه و تحلیل، طبقه‌بندی و به شکل تازه‌ای کنار یکدیگر قرار داده می‌شوند. جهت دستیابی به این مهم، از دو روش کمی و کیفی استفاده شد. در روش کیفی، از فرم روایی سنجی (شجاعی، ۱۳۸۸) استفاده شد که در آن، هریک از مؤلفه‌ها با مستندات ارائه شده و عنوان‌بندی، در جداول به اساتید ارائه گردید و متقن بودن یافته‌ها (میزان صحت، درستی و مطابقت یافته‌ها با مستندات دینی) و مفید بودن یافته‌ها (میزان کارآمدی و قابلیت انتقال یافته‌ها به روان‌شناسی) در طیف لیکرت، مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج در چهار محور مدیریت رفتار و خلق

۱ - پژوهش حاضر برگرفته از: رساله دکتری با عنوان: تدوین مدل مفهومی، توسعه و امکان‌سنجی طرح نمای تعامل به معروف در طلاق رجعی، ارائه شده در مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی است.

(تأمین امنیت فیزیکی، تأمین آسایش همسر، با اخلاق نیک رفتار کردن با همسر، گفتار نیکو داشتن با همسر، گشاده‌رویی، احترام گذاشتن به همسر، یکی بودن و همراهی و رعایت حقوق همسر)، مدیریت افکار (تغافل و گذشت، تغییر باورهای نادرست و تعدیل انتظارات)، درک طرف مقابل (خیرخواهی)، و ایجاد احساس مثبت (حفظ صمیمیت زناشویی، توجه به نیازهای عاطفی همسر، استمرار عشق و دوستی پیشین، ابراز هیجان مثبت) طبقه‌بندی شدند. اعتبار یافته‌ها با استفاده از دو روش کیفی و کمی تأیید شد. در روش کیفی، استنباط‌های انجام شده توسط اساتید انجام گرفت. در روش کمی محاسبه نسبت روایی محتوا (CVR) و شاخص روایی محتوا (CVI)، به ترتیب بالاتر از ۰/۴۹ و ۰/۷۹ بدست آمد. در مجموع می‌توان گفت، آموزش و بهینه‌سازی تعامل به معروف بین همسران، به عنوان یک قاعده طلایی در زندگی می‌تواند به همسران کمک کند تا به هدف زندگی مشترک (رشد و تعالی طرفینی و کسب آرامش، صلح و دوستی) دست یافته و بحران‌های زندگی مشترک را پشت سر بگذارند. تعامل به معروف نوعی کنشوری است که بدون بلوغ عاطفی - فکری در زوجین امکان‌پذیر نیست.

کلیدواژه‌ها: معاشرت، تعامل به معروف، همسران، خانواده، زوجین.

مقدمه

خانواده، اولین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی است که شخصیت افراد را شکل می‌دهد و نیازهای زیستی، روانی و معنوی افراد در آن تأمین می‌شود (سالاری فر، ۱۳۸۹). به همین جهت، در اسلام نظام خانواده از جایگاه بسیار والایی برخوردار است. رسول خدا(ص) می‌فرماید: در اسلام هیچ بنایی ساخته نشده که نزد خداوند عزوجل، محبوب‌تر و ارجمندتر از ازدواج باشد (حرعاملی، ۱۴۰۴ق). ازدواج و تشکیل خانواده، به خودی خود هدف نیست؛ بلکه هدف اصلی، رشد و تعالی اعضای خانواده و دستیابی آنان به آرامش است (بهشتی، ۱۳۷۷). قرآن کریم نیز یکی از هدف‌های اصلی ازدواج را آرامش می‌داند (روم، ۲۱) و راهکار دستیابی به آن را، اجرای معاشرت و تعامل به معروف می‌داند (نساء، ۱۹). بدین منظور خداوند متعال، مودت و رحمت را در بین همسران به ودیعه نهاده که مایه استحکام، پایداری و آرامش در نظام خانواده است. شایان ذکر است که نظام خانواده مانند هر نظام دیگری، ممکن است دچار مشکلاتی شود. گاهی افرادی که یک عمر با هم زندگی کرده‌اند، به یک‌باره از همدیگر جدا می‌شوند (آماتو، ۲۰۱۰). چه بسا ممکن است عجلوانه تصمیم بگیرند و با رفتارهای نادرست خود باعث رنجش هم شوند (شهریاری و نواح، ۱۴۰۱). اختلاف، درگیری و سردی روابط همسران با تعامل سازنده و درست فیما بین آنان (نساء، ۱۲۸) حل می‌شود و این در حالی است که حتی اگر یکی از همسران، تمایل به تعامل درست داشته باشد؛ می‌تواند زمینه‌ساز رشد، تعالی و رسیدن به آرامش خانواده باشد (حافظی، ۱۴۰۰).

معاشرت به معروف، یک اصل اساسی در تعامل بین همسران محسوب می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۰) که در قرآن، در آیه ۱۹ سوره نساء به آن اشاره شده است: «با زنان به معروفی، معاشرت کنید و اگر با آنان خوب رفتار نکنید، بدانید که چه بسا امری را ناخوش می‌دانید که خداوند در آن خیر بسیار نهاده باشد». تصریح این آیه به لزوم معاشرت به معروف در روابط همسران، به شکلی است که اگر هیچ آیه یا روایت دیگری در این زمینه نبود، آیه مذکور برای اثبات این قاعده کفایت می‌کرد. مفسران، این آیه را جامع همه جهات، زمان‌ها، مکان‌ها و خصوصیات دانسته‌اند که همه امور، مصادیق و حالات را در بر می‌گیرد (شیری زنجانی، ۱۴۱۹ق؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق). در تعامل به معروف بین همسران، هر کدام مایه آرامش دیگری هستند؛ نه اینکه تنها مرد است که باید در روابط زوجین به آرامش دست یابد (جوادی آملی، ۱۳۸۰؛ معلوف، ۱۳۸۲). روایات نیز بر دوسویه بودن معاشرت به معروف تأکید دارند، به طوری که هر کدام با حقوق و تکالیف مشخص، به میزان خودش تأثیرگذار خواهد بود و هر حالتی غیر از این، مصادق ظلم است (طباطبایی، ۱۳۶۷ق، ج ۳، ص ۱۲۳).

در زمینه تعامل به معروف، پژوهش‌هایی انجام شده است. در پژوهشی که با عنوان «اصل قرآنی معاشرت به معروف و بازنگری روابط همسران»، توسط حافظی (۱۴۰۰) انجام شده، به بیان اصول اخلاقی در روابط همسران پرداخته شده و از معاشرت به معروف به عنوان یک اصل اخلاقی-حقوقی نام برده شده است. همچنین، تحقیقاتی با عناوین «المعاشره و الطاعه بالمعروف» (الحمیزی، ۲۰۲۰)، «اصل معاشرت به معروف در نظام حقوق خانواده از منظر قرآن و سنت» (عمرانی و شریعتی، ۱۳۹۹)، «حق الزوجه فی المعاشره» (بوکروشه، ۲۰۱۴) و مقاله‌ای با عنوان «ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی» تکلیف زوجین نسبت به حسن معاشرت با یکدیگر» (رفسنجانی مقدم و محمدیان، ۱۳۹۴) انجام شده است. در همه این پژوهش‌ها از معاشرت به معروف، به نظامی حقوقی و دوسویه تعبیر شده و تحت این اصل، حقوق و تکالیف زوجین در حیطه خانواده و پرداخت انواع حقوق، مثل نفقه، حق مسکن و... مورد بررسی قرار گرفته است. نجفی و گلپور (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان «بنیاد عدالت در آیه معاشرت به معروف»، به رهیافت‌هایی همچون، دوسویگی این فرمان، گزینش مرد، گستره معروف در زمینه‌های گوناگون زندگی و نگاهی به حقوق زن و پیامدهای انجام ندادن معروف و ظلم به خود، دست یافت. در مقاله «حدود روابط جنسی زن و شوهر در چارچوب قاعده معاشرت به معروف» (نوبهار و حسینی، ۱۳۹۴)، حدود روابط زناشویی متعارف و نامتعارف همسران در نظام حقوقی و مشروع و غیرمشروع بودن آن مدنظر قرار گرفته است. همین‌طور، در پژوهشی پیرامون نقد و بررسی دیدگاه‌های مربوط به تعدد زوجات در پرتو اصل معاشرت به معروف (حافظی و قاضی‌زاده، ۱۳۹۷)، به

دیدگاه‌های مربوط به تعدد زوجات در استحباب، منع مطلق، منع حاکم در غیراضطرار پرداخته شده است. در پژوهش‌های انجام شده - که مواردی از آنها به‌عنوان نمونه مطرح شد- به اصل معاشرت به معروف با دیدگاه فقهی-حقوقی و گاه اخلاقی پرداخته شده است؛ ولی در پژوهش حاضر، سعی بر آن است تا تعامل به معروف با نگاه روان‌شناختی بیان شود. آموزه تعامل به معروف در قرآن از غنای کافی برخوردار است. به نظر می‌رسد تحلیل و واکاوی این مفهوم می‌تواند در ایجاد مؤلفه‌های اصلی در طراحی طرح‌نمای مشاوره‌ای برای زوج، چه در جهت ارتقاء و رشد روابط، و چه در جهت حل مشکلات و چه در زمان جدایی و طلاق، کارساز باشد. اولین گام دستیابی به این هدف، مفهوم‌سازی معاشرت به معروف است. بنابراین، مسئله اصلی پژوهش حاضر، این است که مدل مفهومی معاشرت به معروف بین همسران در منابع اسلامی چیست و مؤلفه‌های آن کدامند؟

روش

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات بنیادی- نظری است. اطلاعات و مواد اولیه پژوهش به صورت کیفی و از متون دینی گردآوری شده و برای تجزیه و تحلیل آن از «روش تحلیل کیفی محتوای متون دینی» استفاده شده است که برای فهم و استنباط آموزه‌های روان‌شناختی از منابع اسلامی کاربرد دارد (شجاعی، ۱۳۸۸). تحلیل کیفی محتوای متون دینی در چهار مرحله مشاهده نظام‌مند، غرقه شدن در محتوا، صورت‌بندی یافته‌ها و بازآفرینی و ارائه، انجام می‌پذیرد و هر مرحله نیز، از چندین گام تشکیل شده است. پایه و اساس تحلیل کیفی محتوای متون دینی، پردازش فعال متن است که در آن، پژوهشگر داده‌های متنی (مفاهیم، گزاره‌های متون دینی) را با به‌کارگیری اصول پیش‌پردازش متن، آنقدر مورد کندوکاو و تحلیل قرار می‌دهد تا به ساخت‌های کلی معنی دست یابد. سرانجام یافته‌های گردآوری شده، تجزیه و تحلیل، طبقه‌بندی و به شکل تازه‌ای کنار یکدیگر قرار داده می‌شوند (شجاعی، ۱۳۸۸). جامعه آماری (جامعه اسنادی) پژوهش عبارت است از: قرآن، کتب روایی، تفاسیر و منابع دیجیتالی (شامل نرم‌افزار جامع‌الاحادیث نور/ نسخه ۳/۵ و جامع‌التفاسیر/ نسخه ۳). نمونه در این پژوهش عبارت است از هر واژه، عبارت یا گزاره‌ای که در مفهوم‌شناسی تعامل به معروف نقش دارد. روش نمونه‌گیری در این قسمت، زنجیره‌ای یا شبکه‌ای^۱ است. در ابتدا، شمار معدودی از متون انتخاب شدند و سپس موارد مرتبط، شناسایی شده و به تدریج به گروه نمونه اضافه شد. متن اولیه این پژوهش، کتاب «اصول کافی» بود و به تدریج «کتب اربعه» نیز اضافه شد و همچنین،

کتب تفسیری اولیه، «تفسیر المیزان، تفسیر شیخ طوسی، تفسیر شیخ طبرسی و تفسیر مجمع‌البیان» بودند که در ادامه به کل تفاسیر موجود در نرم‌افزار جامع‌التفاسیر^۱ و اکثر کتب روایی^۲ گسترش یافت. روش گردآوری اطلاعات به صورت فیش‌برداری بود. در مرحله بعد، پس از شناسایی و ثبت واژه‌های مترادف و مرتبط با تعامل به معروف و گردآوری تعریف‌های ارائه‌شده، مستندات مربوط به هر کدام، در منابع اسلامی به دست آمد. سپس، محتواهای استنباطی مربوط به هر گزاره استخراج شد و با توجه به اشتراک‌های معنایی محتواهای استنباطی حول چند محور کلی، با به کارگیری روش تحلیل کیفیت محتوای متون دینی، مؤلفه‌های تعامل به معروف به دست آمد. در مرحله بعد، پس از گردآوری داده‌ها و استخراج الگوی مفهومی، برای حصول اطمینان از تطابق آنها با محتوای متون دینی از یک‌سو و کاربرد آن در حوزه روان‌شناسی از سوی دیگر، اعتبار یافته‌ها توسط پژوهشگران و خبرگانی که در حیطه فهم و استنباط در منابع اسلامی و همچنین روان‌شناسی و علوم تربیتی تخصص دارند، سنجیده شد.

جهت دستیابی به این مهم، دو روش کمی و کیفی به کار گرفته شد. در روش کیفی، از فرم روایی‌سنجی (شجاعی، ۱۳۸۸) استفاده شد که در آن، هریک از مؤلفه‌ها با مستندات ارائه شده و عنوان‌بندی، در جداول به اساتید ارائه شد و متقن بودن یافته‌ها (میزان صحت و درستی و مطابقت یافته‌ها با مستندات دینی) و مفید بودن یافته‌ها (میزان کارآمدی و قابلیت انتقال یافته‌ها به روان‌شناسی) در طیف لیکرتی، مورد ارزیابی قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، طبق آنچه که شولتز^۳ و همکاران (۲۰۱۴) بیان کرده‌اند، از دو ضریب نسبی روایی محتوا (CVR^۴) و شاخص روایی محتوا (CVI^۵) استفاده شد، در صورتی که بین

۱. تفسیر المیزان، تفسیر نمونه، تفسیر نور، تفسیر نور الثقلین، تفسیر مقاتل بن سلیمان، تفسیر غریب القرآن، تفسیر بحر العلوم، الواضح فی تفسیر القرآن الکریم، جامع البیان فی تفسیر القرآن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تفسیر الثعالی، الجامع لأحكام القرآن، التبیان فی تفسیر القرآن، احکام القرآن، التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی)، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج، تفسیر الثمرات الیانه و الاحکام الواضحه القاطعه، التفسیر کتاب الله المنیر، تأویلات أهل السنه، کشف الاسرار و عدة الابرار، مجاز القرآن، الاساس فی التفسیر، درج الدرر فی تفسیر القرآن العظیم، الجامع لأحكام القرآن، تفسیر القرآن العظیم، الجامع لأحكام القرآن، التفسیر الوسیط، لطائف الإشارات، کشف الاسرار و عدة الابرار، تفسیر المراغی، تفسیر صافی، لسان العرب، معجم مقاییس الغه، المرادات فی غریب القرآن، الکشاف عن الحقائق غوامض التنزیل، مشکاه الانوار، قاموس القرآن

۲. کتب اربعه، اصول کافی، من لایحضره الفقیه، مصباح الشریعه، میزان الحکمه، الخصال، کتاب المواعظ، مکارم الاخلاق، مصباح الشریعه، وسائل الشیعه، فی مرآة العقول ترجمه جعفری، بحار الانوار، کتاب اخلاق اسلامی در نهج البلاغه، غرر الحکم و مستدرک.

3. Schultz

4. content validity ratio

5. content validity index

کارشناسان در نمره این دو ضریب برای هر مؤلفه توافق وجود داشت، آن مؤلفه دارای روایی محتوایی است. همچنین در فرم روایی سنجی فوق، از کارشناسان درخواست شد تا در صورت لزوم، نظر کارشناسی خود را درباره صحت و درستی یافته‌ها به صورت مبسوط اعلام کنند. کارشناسان در این مرحله، ۱۵ نفر از اساتید روان‌شناسی در سطح دکتری و دانشجوی دکتری روان‌شناسی و دارای تحصیلات حوزوی بودند؛ که میانگین مدت فعالیت‌شان در حوزه روان‌شناسی، ۲۷ سال بوده است و آرای آنان در فرم روایی سنجی جمع‌آوری شد. برای روایی سنجی، علاوه بر روش فوق از روش کیفی نیز بهره گرفته شد که به معنی استنباط فردی اساتید است. در این روش، مستندات (روایات و تفاسیر) به اساتید ارائه و از آنها خواسته شد تا عناوین مؤلفه‌ها را به دلخواه و برحسب تشخیص خود، نام‌گذاری و طبقه‌بندی کنند. کارشناسان این مرحله، ۵ نفر از اساتید متبحر و مطرح در زمینه فقه و اصول و دارای مدرک دکترای فقه و سطح ۴ حوزه و دارای میانگین سابقه کار ۳۹ سال بودند. جهت ارائه نظرات علمی اساتید در این مرحله، بدون دیدن مؤلفه‌های استخراج شده در مرحله اول این پژوهش، نظرات استنباطی اساتید ثبت شد و سپس، میزان تفاوت و شباهت عناوین و نظرات در این مرحله با فرم اولیه مرحله قبل، با هم مقایسه و تحلیل شد تا از این طریق نیز روایی کار تأیید شود.

یافته‌ها

برای پاسخ به این سؤال که مؤلفه‌های تعامل به معروف در منابع اسلامی کدامند، ابتدا مفاهیم و گزاره‌های مرتبط با تعامل به معروف از آیات، تفاسیر و روایات استخراج شد. سپس با مراجعه به کتاب‌های مختلف، تعاریف لغوی و اصطلاحی تعامل به معروف مورد بررسی قرار گرفت.

تعاریف معاشرت به معروف

تعاریف لغوی

معاشرت به معروف شامل دو واژه معاشرت و معروف است. برای پی بردن به معنای معاشرت به معروف باید این دو واژه، به دقت مورد بررسی قرار گیرد. واژه معاشرت در قرآن و روایات، هم‌وزن تعامل به کار رفته است. بررسی واژه معاشرت به معروف در کتب لغوی در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول ۱- تعاریف لغوی معاشرت

عناصر محوری در تعریف	تعاریف لغوی ارائه شده	لغت‌شناس
اختلاط و تماس زیاد در طول حیات	«المعاشره: هو الاختلاط و كثرة التماس فی جریان إدامة الحياة»	مصطفوی (۱۳۶۰)
همنشینی کامل و نیکو	«عاشروهن بالمعروف» (نساء، ۱۹)، «با همسرانتان به نیکی معاشرت و آمیزش کنید». عشیر: معاشر و همنشین چه نزدیک باشد چه دور.	راغب اصفهانی (۱۴۱۲ق)

قرشی بنایی (۱۳۷۱)	عشر: معاشرت به معنی مصاحبت و مخالطه است. «عاشره معاشره: خالطه و صاحبه». «و عاشروه بن بالمعروف (نساء، ۱۹)، «با زنان به شایستگی زندگی کنید». این جمله شامل وظائف مرد با زن است؛ اعم از وظائف واجب و مستحب.	هم صحبتی و آمیختگی و معروف وظایف واجب و مستحب
معین (۱۳۸۶)	(مُشَرِّعٌ) [ع. معاشره] (مص ل. رفاقت، دوستی، هم صحبتی)	هم صحبتی و دوستی
دهخدا (۱۳۶۰)	معاشرت (مُشَرِّعٌ) [لش ر] (ازع، امص) آمیختن و با هم آمیزش کردن. با هم زیست کردن و با کسی زندگانی نمودن (غیاث). اختلاط و آمیزش با هم و گفت و شنید با هم و الفت و مصاحبت و همدمی و رفاقت و زندگانی با هم و خورد و آشامیدن با هم	زندگانی با هم و هم زیست بودن
عمید (۱۳۸۹)	(اسم مصدر) [عربی: معاشره]؛ با هم زندگی کردن؛ با یکدیگر دوستی و آمیزش داشتن	زندگانی مشترک و دوستی و آمیزش

با توجه به تعریف‌های گردآوری شده، معاشرت را می‌توان به همزیستی، آمیختگی، همنشینی و هم صحبتی نیکو، کامل، طولانی و عمیق تعریف کرد. واژه «معروف» از عرف مشتق شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق). «معروف»، اسم مفعول از عرف است؛ به معنی هر چیزی که خوب است؛ و معروف، ضد منکر و عرف، ضد نکر است (فیروزآبادی، بی تا). در نتیجه، معروف، هر فعلی است که توسط عقل و شرع پسندیده باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق). موارد استخراج شده از واژه معروف، در جدول (۲) آمده است.

جدول ۲- تعاریف لغوی معروف

لغت شناس	تعریف لغوی ارائه شده	عنصر محوری در تعریف
راغب اصفهانی (۱۴۱۲ق)	آیه: «لِلْمُطَلَّقاتِ مَتاعٌ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره، ۲۴۱؛ نساء، ۱۱۴)، «به احسان و اقتصاد یا میانه روی». «فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ» (طلاق، ۲)، «قَوْلُ مَعْرُوفٌ وَمَعْفِرَةٌ خَيْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ» (بقره، ۲۶۳)، «پاسخ نیکو دادن». عُرْفٌ: نیکویی و احسانی که شناخته شده، معروف، «لما كان ذلك مستحسنا في العقول و بالشرع و العُرْفُ: المَعْرُوفُ مِنَ الإحسان»	معروف به معنی احسان و میانه روی است، معروف همان نیکویی و احسانی شناخته شده به وسیله عقل و شرع است.
طریحی (۱۳۷۵)	«أى ربحه. قوله إلامن أمر بصدقه أو معروف (نساء، ۱۱۴) المَعْرُوفُ: اسم جامع لكل ما عرف من طاعة الله، و التقرب إليه و الإحسان إلى الناس، و كل ما يندب إليه الشرع من المحسنات و المقبحات و إن شئت قلت: المَعْرُوفُ اسم لكل فعل يعرف حسنه بالشرع و العقل من غير أن ينازع فيه الشرع. و المَعْرُوفُ فى الحديث: ضد المنكر، و قد تقدم تفصيله فى» (نکر).	اسم جامعی برای هر آنچه که شناخته شده است، در راه طاعت خداوند؛ شناخته شده در شرع و عقل
عمید (۱۳۸۹)	(صفت) [عربی] شناخته شده؛ مشهور. ۲. نیکى. ۳. [قدیمی] کار نیک	شناخته شده و کار نیک

دهخدا (۱۳۶۰)	معروف: [م] [ع ص] مشهور و شناخته. خلاف منکر. (منتهی الارب) (آندراج) (ناظم الاطباء). شناخته شده و شهرت یافته و نامور	خلاف منکر و نامور
معین (۱۳۸۶)	(م) [ع] [ع] ۱. (امف). شناخته شده، شهرت یافته. ۲. کار نیک، عمل ثواب؛ امر به ~ امر کردن کسان برای انجام دادن واجبات شرعی. مقابل نهی از منکر	کار نیک و شناخته شده

با توجه به معانی فوق، می‌توان چنین گفت که معروف به معنای لغوی عبارت است از: «نیکی و احسانی که مورد تأیید شرع، عقل و عرف» است.

واژه‌های مترادف و متضاد با معاشرت و معروف

به منظور دستیابی به تمامی ابعاد یک لغت، نیاز است که واژگان مترادف و متضاد با آن لغت نیز مورد بررسی قرار گیرد؛ تا شاید مفهومی جدید از لغت به دست آید که در معنای مستقیم آن بیان نشده است، تا بتوان در مفهوم‌شناسی از آن استفاده کرد. نتایج پژوهش در این زمینه نشان داد که واژه‌هایی مترادف و متضاد با معاشرت و معروف وجود دارد. واژه‌های مترادف با معاشرت: مصاحبت، مخالطت و همنشینی؛ و واژه‌های متضاد با معاشرت: قهر، جدایی و دوری است. واژه‌های مترادف با معروف: عرف، احسان، حسن و ممدوح است؛ و واژه‌های متضاد با معروف: منکر، نکر، مذموم و قبح است. برای اتقان کار و دستیابی به حوزه معنایی تعامل به معروف، چند واژه و اصطلاح دیگر که به نظر می‌رسید با تعامل به معروف ارتباط دارد نیز مورد بررسی قرار گرفت و تشابهات و تفاوت‌های آنها ثبت شد. بررسی‌های اولیه این پژوهش نشان داد که عرف و احسان، با معروف ارتباط دارد.

جدول ۳- واژه‌های مترادف و متضاد با معاشرت و معروف

واژه اصلی	واژه‌های مرتبط
معاشرت مترادف	مخالطت در زبان فارسی عبارت است از آمیزش به طور انس و درآمیختگی با کسی (دهخدا، ۱۳۶۰).
	مخالطت را علی‌هذا مزج اخص و خلط اعم است، ولی طبری در «مجمع» ذیل آیه ۲۲۰ بقره می‌گوید: مخالطه آمیخته شدنی است که جدا شدن آن ممکن نباشد. مخالطه را معاشرت نیز گفته‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق).
	مخالطت را «یلاحظ فیها جهة الاختلاط فی امور، و مداخلة بینهما» می‌داند (مصطفوی، ۱۳۶۰)
	«الامتزاج به، سواء كان مع التمییز و عدمه» (طریحی، ۱۳۷۵).
مصاحبت	در زبان فارسی: ۱- همراه کردن، همراه شدن. ۲- گفتگو کردن، هم صحبت بود (عمید، ۱۳۸۹؛ دهخدا، ۱۳۶۰).

مصاحبت به معنی معاشرت با دوام ظاهری و باطنی است (مصطفوی، ۱۳۶۰).			
قهر، جدایی و دوری	متضاد		
میل و گرایش عمومی انسان دیندار و بی‌دین به امری که مخالف شرع نباشد (صدر، ۱۳۹۵ق).			
گاه عرف به حکم و داوری عقل نزدیک شده و آن هر صفت خوبی که مورد تایید عقل است و نفس با آن آرامش می‌یابد (طبرسی، ۱۳۷۹ق، ج ۱)	عرف		
برخی از مفسران قرآن مجید سیره عقلای جامعه را عرف می‌دانند. به این شکل که عرفی که خداوند به انجام آن امر کرده (اعراف، ۱۹۹)، هر عرفی را شامل نمی‌شود، بلکه عرفی منظور نظر است که عقل سلیم آن را بپذیرد. پس، عرفی که از سرشت و طبیعت سالم افراد آن جامعه نشأت گرفته باشد، عرف عملی عقلا است (طبرسی، ۱۳۷۹ق؛ طباطبایی، ۱۳۶۷ق، ج ۳).			
احسان در زبان فارسی عبارت است از نیکی، خوبی، بخشش و نیکویی کردن (دهخدا، ۱۳۶۰).	مترادف		
احسان مصدر باب افعال به معنی نیکی کردن است، مثل «لا تعبدون إلا الله و بالوالدین احسانا» (بقره، ۸۳). به نظر می‌رسد که این اسماء فاعل در قرآن به جای صفت مشبیه بکار رفته‌اند و از آنها ثبوت اراده شده است. احسان بالاتر از عدل است؛ زیرا عدل آن است که آنچه برعهده دارد، بدهد و آنچه برای اوست، بگیرد. ولی احسان آن است که بیشتر از آنچه برعهده دارد، بدهد و کمتر از آنچه برای اوست، بگیرد. اختیار عدل واجب بوده، ولی اختیار احسان مستحب است (قرشی بنایی، ۱۳۷۱).	احسان		معروف
احسان آن است که بیشتر از آنچه برعهده دارد، بدهد و کمتر از آنچه برای اوست، بگیرد. اختیار عدل واجب بوده، ولی اختیار احسان مستحب است ^۱ (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق).			
منکر را «كُلُّ فِعْلٍ تَحَكُّمِ الْعُقُولِ الصَّحِيحَةِ بِقَبْحِهِ، أَوْ تَتَوَقَّفُ فِي اسْتِقْبَاحِهِ وَاسْتِحْسَانِهِ الْعُقُولُ، فَتَحَكُّمِ بِقَبْحِهِ الشَّرِيعَةِ، وَ تَعْرِيفُهُ جَعْلُهُ بِحَيْثُ يُعْرَفُ» می‌داند؛ یعنی هر کاری که عقل‌ها و خردهای صحیح، زشتی آن را حکم می‌کند یا اینکه عقل‌ها در زشتی و خوبی آن کار سکوت می‌کنند. سپس دین و شریعت بدی و زشتی آن را بیان می‌کند. در اصل مُنْكَرٌ، چیزی است که به زشتی شناخته شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق)	متضاد		
«المنكر من الأمر: خلاف المعروف، و قد تكرر في الحديث الإنكار و المنكر، و هو ضد المعروف، و كل ما قبحه الشرع و حرمة و كرهه» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق).			
«الْمُنْكَرُ فِي الْحَدِيثِ ضِدُّ الْمَعْرُوفِ. وَ كَلِمَا قَبِحَهُ الشَّارِعُ وَ حَرَمَهُ فَهُوَ مُنْكَرٌ، وَ الْمَعْرُوفُ الَّذِي يَذْكَرُ فِي مَقَابِلِهِ الْحَسَنُ الْمَشْتَمَلُ عَلَى رَجْحَانٍ، فَيَخْتَصُّ بِالْوَجِبِ وَ الْمَنْدُوبِ، وَ يَخْرُجُ الْمَبَاحُ			

۱. «فالإحسان فوق العدل، و ذاك أن العدل هو أن يعطى ما عليه، و يأخذ أقل مما له، و الإحسان أن يعطى أكثر مما عليه، و يأخذ أقل مما له».

و المكروه و إن كانا داخلين في الحسن» (طریحی، ۱۳۷۵).			
منکر را هر چیز زشت و ناشناخته می‌داند (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق).			
«النُّكْرُ: الدهاء. و [النُّكْرُ]: نعت للأمر الشديد، و الرجل الداهي. يقال: فعله من نُكْرِهِ، و نكَّارَتِهِ. و النُّكْرَةُ: نقيض المعرفة» می‌داند. نکر (بر وزن فرس و قفل) نشناختن گویند، «نکر الامر: جهله» کار را ندانست (مصطفوی، ۱۳۶۰).	نکر		
«نکر، النون و الکاف و الراء أصل صحيح يدل على خلاف المعرفة التي يسكن إليها القلب» (ابن فارس، ۱۴۰۴ق).			
قرشی بنایی (۱۳۷۱) نکر (بر وزن فرس و قفل) نشناختن گویند. «نکر الامر: جهله» کار را ندانست، «نکر الرجل: لم يعرفه» یعنی او را نشناخت. انکار نیز بدان معنی است. در «مصباح» آمده: «انکرته انکارا»، یعنی او را نشناختم. انکار به معنی عیب گرفتن و نهی کردن نیز آمده است.			

کلمات دیگری نیز به نوعی مرتبط با معروف و معاشرت است: الملازمة^۱، المرافقة^۲، المجالسة^۳، المؤانسة^۴، المقاربة^۵، المقارنة^۶، المجاورة^۷، الملاقاء^۸، المداناة^۹، المصادفة^{۱۰}، الموافقة^{۱۱} (مصطفوی، ۱۳۶۰). به بیانی دیگر، معروف همان میل و گرایش عمومی یک قوم است؛ البته اجتماعی که از سلامت فطری برخوردار باشند و در محدوده احکام وجدانی و فطری زندگی کنند (طباطبایی، ۱۳۶۷ق، ج ۳). با توجه به موارد بالا، منظور از معروف در این پژوهش، همان عرف متدینان خردمند و یا متشرعان راستین است که به آموزه‌ها و قواعد دینی پایبند بوده و باورهای دینی در آنها، خردمندانه شکل گرفته است و مبتنی بر اخلاق والای

۱. يلاحظ فيها التلازم في المؤانسة و المرافقة

۲. يلاحظ فيها الرفق و الملاءمة في المعاشرة

۳. يلاحظ فيها جهة الجلوس مع آخر في محل

۴. يلاحظ فيها لحاظ الانس و التمايل بينهما

۵. يلاحظ فيها القرب من الآخر ظاهرا أو معنى

۶. يلاحظ فيها جريان كل منهما على طريقة الآخر

۷. يلاحظ فيها جهة قرب السكنى و التمايل اليه

۸. يلاحظ فيها المداناة من قدام و بالمقابلة

۹. يلاحظ فيها القرب على سبيل التسفل

۱۰. يلاحظ فيها الملاقاء و اتصال في الجانب

۱۱. يلاحظ فيها التوافق في قبال التخالف

اجتماعی است که علی‌رغم ثبوت اصول اخلاقی، مصادیق آن می‌تواند از تحول و پیشرفت برخوردار باشد و باعث آرامش و سکون در فرد گردد.

تعریف اصطلاحی یا مصادیق معاشرت به معروف

با توجه به معانی فوق، می‌توان چنین گفت که تعامل به معروف در معنای لغوی آن، عبارت است از مصاحبت و همنشینی نیکو، کامل و عمیق که همراه احسان و مورد تأیید شرع و عقل و عرف باشد. نتایج در این زمینه نشان داد که تعاریف و مصادیق متعددی برای معاشرت به معروف مطرح شده است (جدول ۴).

جدول ۴- تعاریف اصطلاحی (موارد یا مصادیق) معاشرت به معروف

ویژگی‌ها و کارکردها	تعریف ارائه شده از معاشرت به معروف	پژوهشگر
معاشرت داشتن با زنان، به طوری که مورد پسند و شناخته شده مردم باشد، نه آنکه به آن کار جاهل باشند.	«وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ...» کلمه (معروف) به معنای هر امری است که مردم در مجتمع خود آن را بشناسند، و آن را انکار نکنند، و بدان جاهل نباشند، و چون دستور به معاشرت کردن با زنان را مقید فرمود، به قید (معروف) قهراً معنای امر به معاشرت با زنان، معاشرتی است که در بین مأمورین به این امر، یعنی مسلمانان معروف باشد و معاشرتی که از نظر مردان معروف و شناخته شده، و در بین آنها متعارف است.	طباطبایی (۱۳۶۷ق، ج ۴، ص ۴۰۴)
هم‌صحبتی نیکو و زیبا	«ثم بين الصحبة مع النساء، فقال: وَ عَاشِرُوهُنَّ صَاحِبُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ بِالْإِحْسَانِ وَالْجَمِيلِ»	ابن وهب دینوری، (۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۱۴۶)
معاشرت نیکو با خلق خوب و هم‌صحبتی نیکو و درآمیختگی	«وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ عَشْرَةَ النِّسَاءِ بِالْمَعْرُوفِ وَ خَالِقُوا أَيُّهَا الرِّجَالُ نِسَاءً كَمَ، وَ صَاحِبُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ خَالِطُوهُنَّ. كَذَا قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، وَ إِنَّمَا هُوَ خَالِقُوهُنَّ مِنَ الْعَشْرَةِ وَ هِيَ الْمَصَاحِبَةُ»	طبری (۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۲۳).
در هم‌صحبتی در آنچه خداوند امر کرده و اداء حقوق نصفش در پرداخت نفقه و حق قسم، فعل و قول زیبا و ضرر نزدن و بدگویی نکردن و گشاده‌رویی است.	«وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» أَيْ خَالِطُوهُنَّ مِنَ الْعَشْرَةِ الَّتِي هِيَ الْمَصَاحِبَةُ بِمَا أَمَرَكَ اللَّهُ بِهِ مِنْ أَدَاءِ حَقُوقِهِنَّ الَّتِي هِيَ النِّصْفَةُ فِي الْقِسْمِ وَ النِّفْقَةُ وَ الْإِجْمَالُ فِي الْقَوْلِ وَ الْفِعْلِ وَ قِيلَ الْمَعْرُوفُ أَنْ لَا يَضُرُّبَهَا وَلَا يَسِيءُ الْقَوْلَ فِيهَا وَ يَكُونُ مَنْبَسِطَ الْوَجْهِ مَعَهَا»	طبرسی (۱۳۷۹ق، ج ۳، ص ۴۰)
حسن معاشرت در پرداخت مهر و نفقه و چهره عبوس نداشتن و گفتار غلیظ و تند نداشتن؛	«وَ- عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ أَيْ عَلِيٌّ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ مِنْ حَسَنِ الْمَعَاشِرَةِ. وَلَكِنَّ الْمُرَادَ بِهَذَا الْأَمْرِ فِي الْأَغْلَبِ الْأَزْوَاجِ، وَ- هُوَ مِثْلُ قَوْلِهِ تَعَالَى: (فَأِمْسَاكُ بِالْمَعْرُوفِ) وَ- ذَلِكَ تَوْفِيئُهُ حَقَّهَا مِنَ الْمَهْرِ وَ- النِّفْقَةِ، وَ- أَلَا يَعْبَسُ فِي»	قرطبی (۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۹۷)

ویژگی‌ها و کارکردها	تعریف ارائه شده از معاشرت به معروف	پژوهشگر
اظهار تمایل به دیگری نکردن و گرفتن خدمتکار برای او؛ حسن صحبت و همنشینی با او	وجهها بغیر ذنب، وأن يكون منطلقا في القول لا فظا و- لا غليظا و- لا مظهرا ميلا إلى غيرها و على أن المرأة إذا كانت لا يكفيها خادم واحد أن عليه أن يخدمها قدر كفايتها، كاتبة الخليفة و- الملك و- شبههما ممن لا يكفيها خادم واحد، وأن ذلك هو المعاشرة بالمعروف و- العشرة: المخالطة و- الممازجة. فأمر الله سبحانه بحسن صحبة النساء إذا عقدوا عليهن لتكون أدمه ما بينهم و- صحبتهم على الكمال، فإنه أهدأ للنفس واهنا للعيش. و- هذا واجب على الزوج و- لا يلزمه في القضاء»	
در آمیختگی و خلق نیکو داشتن و هم صحبتی و اداء حقوق واجب بر مردان	«و عاشروهن بالمعروف» قال السدي: معناه خالطوهن، و خالقوهن، من العشرة التي هي المصاحبة بما أمركم الله به من المصاحبة، بأداء حقوقهن التي أوجبها على الرجال، أو تسريح بإحسان»	طبری (۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۱۵۰)
مشارکت و مساوات طرفینی و تعامل به معروف و حفظ سرور و نشاط و مهربانی و سعادت	«و في كلمه (المعاشرة) معنى المشاركة و المساواة أى عاشروهن بالمعروف و ليعاشرنكم كذلك، فيجب أن يكون كل من الزوجين مدعاة لسرور الآخر و سبب هناءته و سعادته»	مراغی (بی تا، ج ۱)
خوش رفتاری و صبر در سختی‌ها	با زنان باید خوش رفتاری کرد. «عاشروهن بالمعروف» مرد، سنگ زیرین آسیای زندگی است و باید با خوش رفتاری، بر سختی‌ها شکبیا باشد. (خطاب آیه به مرد است)، «لا تعضلوهن ... عاشروهن»	قرائتی (۱۳۸۸)
رفتار شایسته و انسانی	با آنها به طور شایسته معاشرت کنید. با جمله «و عاشروهن بالمعروف»، دستور معاشرت شایسته و رفتار انسانی مناسب با زنان را صادر می کند، و بدنبال آن اضافه می نماید.	مکارم شیرازی (۱۳۷۱)

در باب معنای اصطلاحی معروف، همان چیزی است که متضمن هدایت عقل، حکم شرع، محاسن، خلق نیکو، فضیلت، سنت‌های حسنه و آداب است (طباطبایی، ۱۳۶۷ق، ج ۳، ص ۱۲۳). باید در نظر داشت که رفتار معروف به گونه‌ای که قرآن کریم به آن امر نموده است، چیزی جدای از ارزش‌های اخلاقی مورد تأیید دین نیست. علاوه بر آن، کتاب‌های لغت در تعریف واژه معاشرت بیان می‌کنند که این واژه از ریشه «العشیره» به معنای مصاحبت و همنشینی آمده است. معاشره را به معنای مصاحبت و مخالطه دانسته‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق). براساس تعاریف ارائه شده، مشخص می‌شود که مواردی مانند همزیستی و همراهی نیکو و همراه با احسان، پرداخت حقوق (نقعه، مسکن و...) و تأمین نیازهای مادی و معنوی همسر، ترک آزار و اذیت و محافظت از وی و به کار بردن حسن خلق در گفتار، رفتار و مهربانی و برآوردن نیازهای عاطفی و احساسی همسر، انس و الفت با وی در تعریف و تفسیر معاشرت به معروف لحاظ شده است.

مؤلفه‌های تعامل به معروف در متون دینی

نتایج پژوهش نشان داد که در قرآن، ۳۶ بار واژه معروف آمده است که از میان این آیات، موارد مرتبط با معاشرت به معروف بین همسران، ۱۶ بار می‌باشد. تعدادی از این موارد، مربوط به زمان طلاق و عده است و بقیه موارد، مربوط به طول زندگی مشترک است. در این بخش، گزاره‌های مرتبط با تعامل به معروف در منابع اسلامی (آیات و روایات) شناسایی و گردآوری شد. براساس مستندات دینی، مؤلفه‌های استخراج شده شامل حد توانایی در تعامل به معروف و میزان آن، انواع معاشرت به معروف، نقش هریک از زوجین در تعامل به معروف، مقدمات و زمینه‌های لازم برای تعامل به معروف، مصادیق تعامل به معروف مثل حسن خلق، خضوع و خشوع، مدارا و سازش، تحمل آزار و... است. همچنین، مقیاس معاشرت به معروف، تغافل و محبت، خوش‌رویی و خوش‌گفتاری، احترام، شرایط زمانی و مکانی، رعایت حقوق و انجام عدالت، علت ایجاد تعامل به معروف، نتایج تعامل به معروف و با احسان رفتار کردن در روابط همسران، چه در زندگی مشترک و چه در زمان عده و زمان طلاق، در مصادیق و مؤلفه‌های معاشرت به معروف در نظر گرفته شد.

جدول ۵- مستندات دینی و محتوای استنباطی و مؤلفه‌ها و عوامل تعامل به معروف

ردیف	گزاره‌ها و مستندات دینی	محتوای استنباط شده	مؤلفه‌ها	عوامل
۱	«وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ»، «... و أن لا يضربها ولا يسيء القول فيها و...» (طبرسی، ۱۳۷۹ق، ج ۳، ص ۴۰)، «و المحافظه علی وجودها بانحاء ما يحفظه» (کریمی، ۱۴۰۲ق)	محافظت از او و نزدن و آسیب وارد نکردن	تأمین امنیت فیزیکی و روانی	مدیریت رفتار و خلق
۲	و كلمه (المعاشره) تقتضي المشاركة و المساواة، معينا علی الشدائد (طنطاوی، ۱۹۹۷ق، ج ۱، ص ۳۰۰)، «شبههما ممن لا یکفیهما خادم واحد، و لا تحملهن کلف خدمتک» (قشیری، ۲۰۰۰)	زحمت خود را به دوش وی نگذاشتن و گرفتن خادم و یاری در سختی‌ها	تأمین آسایش همسر	
۳	«وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء، ۱۸)، «أی خالقوهن» (تیمی البصری، ۱۴۰۱ق)	با حسن خلق برخورد کردن و با نرمی و شفقت برخورد کردن	با اخلاق نیک رفتار کردن با همسر	
۴	«معاشرتهن بالمعروف: أن يحسن معها المقام و العشرة... و حسن القول و بشاشه الوجه» (جرجانی، ۱۴۳۰ق، ج ۱)	گفتار نیکو و بی‌ادبی و تند	گفتار نیکو داشتن با همسر	
۵	«معاشرتهن بالمعروف»: أن يحسن معها... فی الحسن القول و بشاشه الوجه (جرجانی، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۴۷۵) ... و يكون منبسط الوجه معها» (جرجانی، ۱۴۳۰ق، ج ۱)	غیرعبوس و منبسط و دارای خنده	گشاده‌رویی	

ردیف	گزاره‌ها و مستندات دینی	محتوای استنباط شده	مؤلفه‌ها	عوامل
۶	وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ. ... لِقِصُورِ عَقْلِهِنَّ. قَالَ - تَعَالَى -: وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ. وَ قَالَ فِي تَعْظِيمِ حَقِّهِنَّ (طنطاوی، ۱۹۹۷، ج ۳، ص ۹۲)	احترام گذاشتن و بزرگداشت وی	احترام گذاشتن به همسر	
۷	«وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» أَيْ خَالِطُوهُنَّ مِنَ الْعَشْرَةِ الَّتِي هِيَ الْمَصَاحِبَةُ بِمَا أَمَرَكَ اللَّهُ بِهِ» (طبرسی، ۱۳۷۹ق، ج ۳، ص ۴۰)	همنشینی و همراهی و مصاحبت و یکی بودن در امور	یکی بودن و همراهی	
۸	و قوله: «وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» ... بِأَدَاءِ حَقَّقِهِنَّ الَّتِي أَوْجَبَهَا عَلَى الرِّجَالِ، أَوْ تَسْرِيحِ يَاحْسَانَ» (طوسی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۵۰)	رعایت حقوق واجب (حق نفقه و مهریه و حق مسکن و...)	رعایت حقوق همسر	
۹	و قوله: «وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ»: أَنْ تَحْتَمِلَ أَذَاهُنَّ وَ لَا تَحْمِلَهُنَّ كَلْفَ خِدْمَتِكُمْ، وَ تَتَعَامَى عَنْ مَوَاضِعِ خَجَلْتِهِنَّ» (قشیری، ۲۰۰۰)	ندیدن مواضع خجالت آنها و تغافل از لغزش‌ها و صبر در برابر ناسپاسی	تغافل و گذشت	
۱۰	«قَالَ: «كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ - يَقُولُ: ... وَ يَكُونُ اسْتِغْنَاؤُكَ عَنْهُمْ فِي نَزَاهَةِ عَرَضِكَ وَ بَقَاءِ عَزِّكَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق؛ فیض کاشانی، ۱۰۹۱ق)	بی نیازی جستن از مردم تا عزتش حفظ شود و آبرویش به خطر نیفتد	تغییر باورهای نادرست	مدیریت افکار
۱۱	«قَالَ: «كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ - يَقُولُ: لِيَجْتَمِعَ فِي قَلْبِكَ الْإِفْتِقَارُ إِلَى النَّاسِ وَ الْاسْتِغْنَاءُ عَنْهُمْ؛ فَيَكُونُ إِفْتِقَارُكَ إِلَيْهِمْ...» (کلینی، ۱۴۰۷ق؛ فیض کاشانی، ۱۹۰۱ق)	از دیگران انتظار نداشتن و کم کردن انتظارات تا حد ممکن ^۲	تعدیل انتظارات	
۱۲	«أَيُّ بَنِي تَفَهُمٍ وَ صَبِيَّتِي وَ أَجْعَلُ نَفْسَكَ مِيزَانًا فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ غَيْرِكَ فَاحْبِبْ لغيرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَ اكره له ما تكره لِنَفْسِكَ وَ لَا تَظَلْمْ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُظَلَّمَ وَ أَحْسَنْ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسَنَ إِلَيْكَ وَ اسْتَفِيحْ مِنْ نَفْسِكَ مَا تَسْتَفِيحُ مِنْ غَيْرِكَ وَ ارْضَ مِنَ النَّاسِ لَكَ مَا تَرْضَى بِهِ لَهُمْ مِنْكَ وَ لَا تُثَلِّ بِمَا لَا	میزان قرار دادن خود در احساسات و امیال برای چگونگی برخورد با طرف مقابل	خیرخواهی	درک طرف مقابل

۱. اگر کار بدی از فرد سر بزند و اگر شوهر مطلع شود، باعث خجالت همسر می‌شود، پس بهترین رفتار تغافل است، تا فرد خجالت نکشد.

۲. تو بدون مردم نمی‌توانی زندگی کنی، ولی باید از آنان استغنا و بی‌نیازی بپورزی، و چون استغنا و بی‌نیازی با نیاز جمع نمی‌شود، پس حد آن را باید مردم بدانند، تا هم نیازشان مرتفع شود و هم عزتشان حفظ گردد.

ردیف	گزاره‌ها و مستندات دینی	محتوای استنباط شده	مؤلفه‌ها	عوامل
	تَعَلَّمُ بَلْ لَّا تَقُلْ كُلَّ مَا تَعَلَّمُ وَ لَّا تَقُلْ مَا لَّا تُحِبُّ...» (حرانی، ۱۳۶۲، ص ۷۴)			
۱۳	«کلمه (المعاشره) ... آی کل واحد یعاشر صدیقه من جانبه بالمعروف، معرضا عن الهفوات، جالبا السرور، حافظا الود ... (طنطاوی، ۱۹۹۷، ج ۱، ص ۳۰۰). لا مظهرا میلا إلى غیرها و أن ذلك هو المعاشرة بالمعروف» (قرطبی، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۹۷)	اظهار دوستی کردن و اظهار تمایل به دیگری نکردن	حفظ صمیمیت زناشویی	
۱۴	«المعاشرة بالمعروف: أي تطيب القول و تحسين الأفعال و الهيئات و الإنصاف بالنفقة و المبيت، فإن المرأة ذات عواطف و مشاعر و حساسية مرهفة، و هي تحب من الرجل مثل ما يحب هو منها، كما قال تعالى: وَ لَهْنَّ مَثَلُ الَّذِي عَلَيْنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره، ۲۲۸؛ زحیلی، ۱۴۱۸ق)	نیازهای عاطفی و احساسی لطیف زن را بر آورده کند و متناسب با نیاز او پاسخ گوید.	توجه به نیازهای عاطفی و جنسی همسر (طرفینی است)	ایجاد احساس مثبت
۱۵	«کلمه (المعاشرة) تقتضى المشاركة و المساواة، أي کل واحد یعاشر صدیقه من جانبه بالمعروف، معرضا عن الهفوات، جالبا السرور، حافظا الود، معینا علی الشدائد» (طنطاوی، ۱۹۹۷، ج ۱، ص ۳۰۰)	نگهبانی از عشق یکی از مصادیق تعامل به معروف	استمرار عشق و دوستی پیشین (طرفینی است)	
۱۶	«و فی کلمه (المعاشرة) معنی المشاركة و المساواة أي عاشروهن بالمعروف و ليعاشرنکم كذلك، فيجب أن يكون كل من الزوجين مدعاة لسرور الآخر و سبب هناءته و سعاده» (مراغی، بی تا، ج ۴، ص ۲۱۳)	ایجاد سرور و شادمانی و خوشبختی و آرامش در معاشرت واجب است.	ابراز هیجان مثبت (طرفینی است)	

موارد استخراج شده در تعامل به معروف، به صورت یک مدل سه بخشی ارائه شد:

الف) زمینه‌ها و عوامل تسهیل کننده تعامل به معروف؛

ب) مؤلفه‌ها و شاخص‌های تعامل به معروف (بدنه اصلی)؛

ج) کارکردها و آثار تعامل به معروف.

این مؤلفه‌ها با سنجش روایی مفهومی، تحت روایی سنجی داوران قرار گرفت. این سه قسمت عبارتند از:

زمینه‌سازها یا تسهیل گرهای تعامل به معروف

نتایج پژوهش تعامل به معروف نشان داد که زمینه‌سازهای تعامل به معروف عبارتند از: مطابقت با عقل

و شرع؛ موافقت با طبع سلیم و عرف؛ بامروّت بودن؛ داشتن نیت خالص؛ رعایت تقوا؛ داشتن تزکیه، تحلیه و خلق نیکو؛ بستن عقد یا میثاق غلیظ؛ رعایت شرایط زمانی و مکانی؛ تساوی زن و مرد در رعایت تعامل به معروف. این مؤلفه‌ها زمینه‌هایی هستند که اگر نباشند، در واقع، مؤلفه‌های اصلی تعامل به معروف نمی‌تواند قابل اجرا باشد.

مؤلفه‌ها و شاخص‌های اصلی تعامل به معروف (لوازم تعامل به معروف)

این قسمت از نتایج، بدنه اصلی تعامل به معروف است که دارای ۱۶ مؤلفه است که شامل: بخشی از خانواده خود بودن، پرداخت نفقه و حقوق مادی همسر، تأمین امنیت همسر، با اخلاق نیک رفتار کردن با همسر، گفتار نیکو داشتن با همسر، گشاده‌رویی، حفظ صمیمیت زناشویی، احترام گذاشتن به همسر، نادیده گرفتن خطاهای همسر، فراهم کردن زمینه آسایش همسر، تحمل بدرفتاری‌های همسر، تعدیل انتظارات، درک طرف مقابل (خیرخواهی)، توجه به نیازهای عاطفی همسر، استمرار عشق و دوستی پیشین، ابراز هیجان مثبت است.

پیامدها و کارکردهای تعامل به معروف

بررسی مستندات روایات و تفاسیر نشان داد که پس از اجرای تعامل به معروف، زوج به پیامدهایی دست خواهد یافت که نتیجه تعامل به معروف است، که در این عبارات خلاصه شدند: ایجاد آرامش، راحتی، التیام، آشتی، سکون نفس و مأنوس شدن. در زمان‌هایی که از همسر کراهتی به دل دارد، رعایت تعامل به معروف باعث ایجاد خیر زیاد و میل و رغبت خواهد شد و احتمال بازگشت به زندگی مشترک و یا حتی جدایی همراه با احسانی که حتی بالاتر از معروف است، دست خواهد داد.

استخراج عامل‌ها از مؤلفه‌های اصلی تعامل به معروف

مؤلفه‌هایی که در مرحله قبل به دست آمده بود، در دو محور شناختی-رفتاری (یکی بودن، با اخلاق نیک رفتار کردن با همسر، گفتار نیکو داشتن با همسر، گشاده‌رویی، حفظ صمیمیت زناشویی، احترام گذاشتن به همسر، نادیده گرفتن خطاها، فراهم کردن زمینه آسایش همسر، تحمل بدرفتاری‌های همسر، تعدیل انتظارات، درک طرف مقابل، پرداخت حقوق و نفقه همسر، تأمین امنیت همسر) و عاطفی (توجه به نیازهای عاطفی و جنسی همسر، استمرار عشق و دوستی پیشین، ابراز هیجان مثبت) دسته‌بندی شد.

نتایج پژوهش در سنجش روائی مؤلفه‌ها در نمرات CVR نشان داد که ضریب نسبی روائی محتوا برای هر مؤلفه ۰/۸۹ و نمرات CVI برای شاخص روائی محتوا در تمامی مؤلفه‌ها بالای ۰/۸۶ به دست آمده است و برای عامل‌های بیان‌شده، این شاخص کمتر از ۰/۶۰ بود که در نتیجه، مجدداً عوامل طبقه‌بندی شدند. پس از چینش مجدد عوامل در ۴ عامل، مجدداً به اساتید بازگردانده و روائی آن سنجیده شد که شاخص روائی آن بالای ۰/۸۰ و قابل قبول بود. علاوه بر روش فوق، در فرم روائی سنجی کیفی، عناوین مؤلفه‌ها و عوامل،

توسط خود اساتید نام‌گذاری شد. پس از طی ارزیابی مؤلفه‌ها و عوامل با دو روش روایی‌سنجی بیان‌شده، ۴ عامل و مؤلفه‌های مربوط به هر عامل تعامل به معروف، به صورت زیر طبقه‌بندی شد: عامل (۱): مدیریت رفتار و خلق (تأمین امنیت فیزیکی، تأمین آسایش همسر؛ با اخلاق نیک رفتار کردن با همسر؛ گفتار نیکو داشتن با همسر؛ گشاده‌رویی؛ احترام گذاشتن به همسر؛ یکی‌بودن و همراهی و رعایت حقوق همسر). عامل (۲): مدیریت افکار (تعاف و گذشت؛ تغییر باورهای نادرست و تعدیل انتظارات). عامل (۳): درک طرف مقابل (خیرخواهی و همدلی). عامل (۴): ایجاد احساس مثبت (حفظ صمیمیت زناشویی؛ توجه به نیازهای عاطفی و جنسی همسر؛ استمرار عشق و دوستی پیشین؛ ابراز هیجان مثبت).

بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر به این مهم اشاره شده که مؤلفه‌هایی به‌عنوان عناصر زمینه‌ساز تعامل به معروف است که برآورده شدن این موارد، باعث می‌شود فرد بتواند در مسیر رعایت مؤلفه‌های اصلی تعامل به معروف قرار گیرد. مطابقت با عقل، شرع، موافقت با طبع سلیم و عرف و داشتن مروّت، از مهم‌ترین عناصر زمینه‌ساز تعامل به معروف است. از سوی دیگر، داشتن نیت خالص و برای رضای خداوند رفتار کردن و رعایت اصل تقوا همراه با تزکیه، تحلیه و خلق نیکو نیز، زمینه‌ساز بستن میثاق غلیظ است تا مودّت و رحمت در روابط همسران حاکم شود. باورهای دینی، اعتقادات مذهبی و دقت در رعایت تقوا به همراه زندگی معنادار و هدفمند، در رفتارهای دارای انسجام و وحدت رویه و آرامش فرد مؤثر است و علاوه بر این موارد، رعایت شرایط زمانی و مکانی اجرای تعامل به معروف برای هر زن و مرد لازم است. این در حالی است که در تحقیقات عمرانی و شریعتی (۱۳۹۹)، الحمیزی (۲۰۲۰)، بوکروش (۲۰۱۴)، رفسنجانی مقدم و محمدیان (۱۳۹۴)، نجفی و گلپور (۱۳۹۹)، نوبهار و حسینی (۱۳۹۴) و حافظی و قاضی‌زاده (۱۳۹۷) به بایسته‌های مربوط به تعامل به معروف از لحاظ حقوقی و فقهی پرداخته شده؛ ولی به مقدمات اجرایی شدن مؤلفه‌های تعامل به معروف و توان‌افزایی برای دستیابی به تعامل به معروف، اشاره‌ای نشده است. در پژوهش حافظی (۱۴۰۰)، نیز به بیان اصول اخلاقی در روابط همسران پرداخته شده که در آن وفاداری، حسن ظن، عفو و گذشت، صلح و سازش، روابط کلامی، خوش‌خلقی و خوش‌رویی و اهتمام به خواسته‌های یکدیگر را مطرح می‌کند و به بررسی این آیه در رویکرد رفتارمحور یا مبنامحور، در ساختار فقهی-حقوقی می‌پردازد و در نهایت، آن را یک اصل اخلاقی مبنایی بیان می‌کند. این در حالی است که یافته‌های پژوهش حاضر، تمامی اصول اخلاقی مطرح شده در پژوهش فوق را تأیید کرده و علاوه بر آن، ۹ مؤلفه دیگر به آن موارد اضافه کرده است. به‌ویژه اینکه ویژگی‌های روان‌شناختی انسان را نیز بیان کرده که با تغییر این ویژگی‌های شخصیتی، می‌توان به ارتقاء تعامل

به معروف بین همسران دست یافت.

از جمله مهم‌ترین عوامل تعامل درست بین همسران، مدیریت افکار است که با تغافل، یعنی نادیده گرفتن خطاها و بدی‌ها و غفلت‌های همسر و تغییر باورهای نادرست در روابط و بیان انتظارات به صورت شفاف، انجام می‌پذیرد. همچنین، از مهم‌ترین مهارت‌های بین‌فردی، مدیریت رفتار و خلق است که باعث کاهش شدید اختلافات می‌شود. علاوه بر موارد بیان شده، یکی از محورهای خوشبختی میان همسران، رعایت حقوق فی‌مابین و اخلاق حسنه است و چنانچه این مشخصه کارآمد در بین همسران، پویا و فعال باشد؛ زمینه شکوفایی مهر و دلسوزی همسران نسبت به یکدیگر هموارتر می‌گردد و از هرگونه بی‌زاری و اجتناب از همدیگر محفوظ می‌مانند. از نظر علم روان‌شناسی نیز روابط کلامی و غیر کلامی مثل وضعیت بدن، فاصله، حرکات بدن، حالات چهره و... در برقراری روابط مناسب و رضایت‌بخش بین افراد، نقش دارد (جانسون^۱، ۲۰۰۳). در این پژوهش نشان داده شد که یک اصل اساسی در مؤلفه‌های تعامل به معروف این است که، «آنچه برای خود می‌پسندی، برای دیگران هم پسند». به این معنی که از فرد انتظار می‌رود که هرچه برای خود می‌خواهد و دوست دارد که برایش اتفاق بیفتد، برای طرف مقابلش در زندگی مشترک، بخواهد و دوست بدارد. این مدل رفتاری، همان خیرخواهی و همدلی است (کیپلر^۲، ۲۰۱۵) که در آن، فرد، رفتار متقابل درست را که مهم‌ترین اصل تعامل به معروف است، برای طرف مقابلش رعایت می‌کند. این مورد بسیار مهم، در روایات زیادی مورد تأکید فراوان قرار گرفته؛ ولی در پژوهش‌های حافظی (۱۴۰۰)، عمرانی و شریعتی (۱۳۹۹)، رفسنجانی مقدم و محمدیان (۱۳۹۴)، الحمیزی (۲۰۲۰)، بوکروش (۲۰۱۴)، نجفی و گلپور (۱۳۹۹)، نوبهار و حسینی (۱۳۹۴) و حافظی و قاضی‌زاده (۱۳۹۷) مورد غفلت واقع شده است. بدون دستیابی به این اصل اساسی «برآوردن نیاز طرف مقابل، آن‌طور که خودمان دوست داریم، برایمان اجرا شود»؛ که یکی از مهم‌ترین اجزای مسئولیت‌پذیری و بلوغ فکری و عاطفی است، تعامل به معروف قابل اجرا نیست. بلوغ عاطفی، متضمن وجود بده-بستان عاطفی و قابلیت درک احساس دیگری یا همدلی است و فراتر از همه این موارد، به رسمیت شناختن نیازهای دیگری و پذیرش مسئولیت برآوردن آن نیازها است. ازدواج و تشکیل خانواده به معنی پذیرش این مسئولیت برای همه عمر و قبول تأمین نیازهای شریک زندگی است (ستوده و بهاری، ۱۳۸۶). افرادی که به بلوغ عاطفی نرسیده‌اند، در زندگی تنها به خود فکر می‌کنند. هدف این افراد از ازدواج فقط حمایت شدن است؛ به طوری که به دنبال یک جاده یک‌طرفه در ازدواج هستند. به

1. Johnson

2. Kepler

اصطلاح عامیانه، آویزان شدن به شخصی به عنوان شوهر یا زن. آنها در ازدواج، نه به دنبال همسر، بلکه در پی میزبانی برای ارتزاق هستند (یونسی، ۱۳۸۸). همه این عوامل از مدیریت افکار، احساس، رفتار، همدلی و درک متقابل بدون رشد فردی و بلوغ فکری-عاطفی و مسئولیت‌پذیری فردی مهیاء نمی‌شود.

احساس‌های مثبت فی‌مابین همسران، یکی از عوامل تعامل به معروف است. پیوند قلبی در انسان‌شناسی دینی ناظر بر این واقعیت است که انسان‌ها فراتر از برخورد‌های عینی، دارای دلبستگی و پیوند قلبی نیز هستند (ابراهیمی‌پور و همکاران، ۱۳۹۵). در پژوهش حاضر نشان داده شد که توجه به نیازهای عاطفی و جنسی از قبیل آرایش، پیرایش و... و ابراز هیجان مثبت که باعث حفظ صمیمیت زناشویی و استمرار عشق و دوستی است، از مؤلفه‌های اصلی تعامل به معروف است که اجرای مؤلفه‌های قلبی به ایجاد و رشد این موارد کمک شایانی کرده و پیامدهای مثبت تعامل به معروف را ایجاد می‌کند. هدف زندگی مشترک، دستیابی به آرامش و صلح و دوستی است. در نتیجه، رعایت زمینه‌های تعامل به معروف و اجرای عامل‌ها یا مؤلفه‌های تعامل به معروف باعث دستیابی به پیامدهای نیکویی شده که در این پژوهش با عنوان پیامدهای تعامل به معروف به آن اشاره گردید. پس از اجرای تعامل به معروف، زوج به پیامدهایی دست خواهد یافت که نتیجه تعامل به معروف است. نتیجه تعامل به معروف بین همسران به ایجاد رشد و تعالی، آرامش، راحتی، التیام، آشتی، سکون نفس و مأنوس شدن طرفینی، کمک شایانی می‌کند. حتی در زمان‌هایی که از همسر، کراهتی به دل دارد، رعایت تعامل به معروف باعث ایجاد خیر زیاد و میل و رغبت خواهد شد و جالب اینکه رعایت اصل اساسی تعامل به معروف در زمان طلاق، احتمال بازگشت به زندگی مشترک را ایجاد می‌کند، یا حتی در صورت طلاق نیز مرد و زن و فرزندان را از آسیب‌های احتمالی طلاق، مصون می‌سازد.

تقدیر و تشکر

از همه بزرگوارانی که ما را در انجام این پژوهش یاری کردند، سپاسگزاریم.

منابع

- ۱) قرآن کریم.
- ۲) ابراهیمی پور، قاسم؛ محبی، محمد عارف؛ بهادری، یوسف؛ حمزه زاده، علیرضا؛ سلطانی، مهدی؛ عباسی، مهدی و همکاران (۱۳۹۵). شاخص های خانواده مطلوب از دیدگاه اسلام، الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت. تهران: مرکز بررسی های راهبردی ریاست جمهوری.
- ۳) ابن وهب دینوری، ابو محمد عبدالله (۱۴۲۴ق). الواضح فی تفسیر القرآن الکریم. بیروت: دارالکتب العلمیه، ج ۱.
- ۴) ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغه. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ۵) ابن منظور، جمال الدین (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- ۶) بهشتی، احمد (۱۳۷۷). خانواده در قرآن. قم: نشر دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۷) بوکروش، وفاء (۲۰۱۴). حق الزوجه فی المعاشره بالمعروف. الآکادیمیه للدراسات الاجتماعیه والانسانیه، (۲)۶، ص ۴۳-۵۱.
- ۸) تیمی البصری، ابو عبیده معمر بن مثنی (۱۴۰۱ق). مجاز القرآن. بیروت: مؤسسۃ الرسالۃ، الطبعة الثانية.
- ۹) جرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمان (۱۴۳۰ق). درج الدرر فی تفسیر القرآن العظیم. اردن: دارالفکر، ج ۱.
- ۱۰) جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۰). تفسیر تسنیم. قم: اسراء.
- ۱۱) حافظی، معصومه (۱۴۰۰). اصل قرآنی معاشرت به معروف و بازنگری روابط همسران. قم: انتشارات جامعه الزهرا(س).
- ۱۲) حافظی، معصومه؛ قاضی زاده، کاظم (۱۳۹۷). نقد و بررسی دیدگاه های مربوط به تعدد زوجات در پرتو اصل معاشرت به معروف. زن و جامعه، ۹(۳۵)، ص ۱۴۳-۱۷۲.
- ۱۳) حرانی، ابن شعبه (۱۳۶۲). تحف العقول. به تصحیح علی اکبر غفاری. قم: آل علی(ع).
- ۱۴) حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. تهران: مکتبه الاسلامیه.
- ۱۵) الحمیزی، فهد (۲۰۲۰). المعاشره و الطاعه بالمعروف (رساله الی کل زوج و زوجة). اردن: دار الصمیعی النشر و التوزیع.
- ۱۶) دهخدا، علی اکبر (۱۳۶۰). لغت نامه. زیر نظر معین و جعفر شهیدی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۷) راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ قرآن. بیروت: دارالشامیه.
- ۱۸) رفسنجانی مقدم، مصطفی؛ محمدیان، علی (۱۳۹۴). پژوهشی پیرامون ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی «تکلیف زوجین نسبت به حسن معاشرت با یکدیگر. مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان)، ۱۸(۷۰)، ص ۴۶-۷.
- ۱۹) زحیلی، وهبه (۱۴۱۸ق). التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج. دمشق: دارالفکر.
- ۲۰) سالاری فر، محمدرضا (۱۳۸۹). خانواده در نگرش اسلام و روان شناسی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۲۱) سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۳ق). مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام. قم: مؤسسۃ المنار.

- ۲۲) ستوده، هدایت‌الله؛ بهاری، سیف‌الله (۱۳۸۶). *آسیب‌شناسی خانواده*. تهران: انتشارات ندای آریانا.
- ۲۳) شبیری زنجانی، موسی (۱۴۱۹ق). *کتاب النکاح*. قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز.
- ۲۴) شجاعی، محمدصادق (۱۳۸۸). *نگاهی به ریشه‌های روان‌شناسی صفات شخصیت در اخلاق*. مطالعات اسلام و روان‌شناسی، ۳(۴)، ص ۱۲۹-۱۵۳.
- ۲۵) شهریاری، مرضیه؛ نواح، عبدالرضا (۱۴۰۱). *تجربه زیسته زنان متقاضی طلاق از فرآیندهای وقوع طلاق*. تحقیقات فرهنگی ایران، ۱۵(۱)، ص ۹۷-۱۲۰.
- ۲۶) شیخ صدوق، محمدبن علی (۱۴۱۳ق). *من لایحضره الفقیه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۲۷) صدر، محمدباقر (۱۳۹۵ق). *المعالم الجدیة*. تهران: مکتبه النجاشی.
- ۲۸) طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۶۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۳، ۴-۶.
- ۲۹) طبرسی، فضل‌بن حسن (۱۳۷۹ق). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصر خسرو، ج ۳، ۱.
- ۳۰) طبری، محمدبن جریر (۱۴۱۲ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دارالمعرفه، ج ۳، ۱.
- ۳۱) طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*. تهران: المکتبه المرتضویه.
- ۳۲) طنطاوی، سید محمد (۱۹۹۷). *التفسیر الوسیط*. قاهره: دار تهضه مصر للطباعه و النشر و التوزیع، ج ۱، ۳.
- ۳۳) طوسی، ابن جعفر محمد بن الحسن (۱۴۱۹ق). *التبیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: داراحیاء التراث العربی، ج ۳.
- ۳۴) عمرانی، سیده نرجس؛ شریعتی، الهام (۱۳۹۹). *اصل معاشرت به معروف در نظام حقوق خانواده از منظر قرآن و سنت*. در: اولین همایش ملی قرآن و روان‌شناسی، ص ۶۰۲-۶۱۹.
- ۳۵) عمید، حسن (۱۳۸۹). *فرهنگ فارسی*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۳۶) فیروزآبادی، محمدبن یعقوب (بی تا). *القاموس المحیط*. بیروت: دار الجبل.
- ۳۷) فیض کاشانی، ملامحسن (۱۰۹۱ق). *تفسیر صافی*. تهران: مکتبه الصدر.
- ۳۸) قرائتی، محسن (۱۳۸۸). *تفسیر نور*. قم: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- ۳۹) قرشی بنایی، سید علی اکبر (۱۳۷۱). *قاموس القرآن*. تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم.
- ۴۰) قرطبی، محمدبن احمد (۱۴۰۵ق). *الجامع الاحکام القرآن*. بیروت: داراحیاء التراث العربی، ج ۵.
- ۴۱) قشیری، عبدالکریم بن هوازن (۲۰۰۰). *تفسیر لطائف الاشارات*. قاهره: الهیئه المصریه العامه للکتاب.
- ۴۲) کرمی، محمد (۱۴۰۲ق). *التفسیر لکتاب الله المنیر*. قم: مطبعه العلمیه.
- ۴۳) کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تحقیق علی اکبر غفاری. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۴۴) مراغی، احمد مصطفی (بی تا). *تفسیر المراغی*. بیروت: دارالفکر، ج ۴، ۱.
- ۴۵) مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۴۶) معلوف، لویس (۱۳۸۲). *المنجد*. ترجمه محمد بندر ریگی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

- ۴۷) معین، محمد (۱۳۸۶). فرهنگ فارسی. تهران: نشر امیرکبیر.
- ۴۸) مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- ۴۹) نجفی، محمدجواد؛ گلپور، صدیقه (۱۳۹۹). بنیاد عدالت در آیه معاشرت به معروف. تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ۱۷(۳)، ص ۱۹۷-۲۳۲.
- ۵۰) نوبهار، رحیم؛ حسینی، سیده ام البنین (۱۳۹۴). قاعده لزوم معاشرت به معروف در روابط زن و شوهر. خانواده پژوهی، ۱۱(۱)، ص ۵۳-۷۲.
- ۵۱) یونسی، سید جلال (۱۳۸۸). مدیریت روابط زناشویی، آسیب‌ها و راه‌حل‌ها در روابط زناشویی. نشر قطره.
- 51) Amato, P.R. (2010). Research on divorce: Continuing trends and new developments. *Journal of marriage and family*, 72(3), p. 650-666.
- 52) Johnson, S.M. (2003). The revolution in couple therapy: A practitioner-scientist perspective. *Journal of marital and family therapy*, 29(3), p. 365-384.
- 53) Kepler, A. (2015). *Marital satisfaction: the impact of premarital and couples counseling*. Master of social work clinical research papers.
- 54) Shultz, K.S., Whitney, D.J., Zickar & Mi.J. (2014). *Measurement theory in action; case studies and exercises*. Second Edition. Taylor & Francis.